

# هنر و بازار<sup>۱</sup>

نوشته: آکو چودوری



اشارهٔ پروفیسور ابول منصور به این واقعیت که بازار آزاد آنگاه شکل می‌گیرد که فراگردهای تولید، تبلیغ و فروش نظام یافته باشند بسیار درست است. در «بازار آزاد» هیچ راه دیگری جز این نیست. من طرفدار بازار آزاد هستم، هرچند می‌توانم بفهمم که پروفیسور منصور چه احساسی دارند، اما باید بگویم که ما وارد عصری می‌شویم که در آن بازار جایی است که ارزش کالا تعیین می‌گردد. متأسفانه هنر هم تبدیل به کالایی می‌شود که باید، در بازار برای آن تصمیم گرفت. سه فراگردی که پروفیسور منصور به آنها اشاره کردند عیناً در حوزهٔ «هنر» نیز صادق است. هنرمند تولید می‌کند، مقداری تبلیغ یا عرضه از طریق برگزاری نمایشگاه یا فروش عمومی صورت می‌گیرد و در نهایت نگارخانه کار فروشندگی را عهده‌دار می‌شود. البته تفاوت بازار هنر، در مقایسه با دیگر مصنوعات، در آن است که به مهارت و شم خاصی برای تشخیص نیاز دارد. از آن نوع مهارت‌هایی که به ایجاد جوی از کنجکاری و اشتیاق برای به تملک درآوردن «خلاقیت» هنرمند یاری می‌رساند.

من در اینجا به مصرف‌گرایی و موقعیت یا بازار مطلوب برای هنرمند نخواهم پرداخت. ما باید با واقعیت رو به رو شویم و با آن کنار بیاییم. در گذشته کلیسا و شاهان یا افرادی به همان میزان مقتدر حامیان هنر و هنرمند بودند. در جهان امروز ما همهٔ اینها را در «مؤسسات بانی و سازمان دهنده» که در واقع شرکت‌ها و قطب‌های تجاری بزرگ هستند تلفیق کرده‌ایم. پروفیسور منصور «هنر آنستالاسیون» را چالشی با مصرف‌گرایی و مصرف خلایقیت هنرمند می‌انگارند. متأسفانه باید متذکر شوم که برای «هنر آنستالاسیون» هم انسان نیاز به نوعی سازماندهی یا حمایت دارد.

در جهان مدرن «هنر» یک تجارت بزرگ است. اما مثل هیچ کالای دیگری نیست تا بتوان آن را در بازار و به قیمت و با سودی قابل پیش‌بینی خرید و فروش کرد. این امر باعث ظهور «کارشناس هنری» شده است، که تلفیقی است از یک متخصص و یک «نگارخانه» که نقش بازار هنر را دارد. نگرستن به ترازنامهٔ نگارخانه‌ها از دید حسابدار معمولی کار بسیار اشتباهی خواهد بود، چون در بیشتر موارد این ترازنامه پیش از آنکه حاشیهٔ سود شروع به افزایش کند و به شکل منحنی رو به بالا و پرافت و خیزی درآمد قطعاً قرمز خواهد بود. بنابراین کسانی که درگیر کار داد و ستد «نگارخانه»‌ای هستند نسلی متمایز را تشکیل می‌دهند: کمی شم تجاری، کمی عشق به هنر و مقدار زیادی رفتار غیرعادی. صاحب موفق نگارخانه کسی است که بتواند هنر، هنرمند و کارشناسی را یک‌جا گرد آورد.

اندی وار هول<sup>۲</sup> به خاطر نقاشی قوطی‌های سوپ



استفاده خلاق و همچنین تجاری از آنها یک بعد به کلی جدید را وارد بازار کرده است. این دو وجه خلاق و تجاری در عین حال با هم تلفیق شده‌اند و در تجارت الکترونیکی هنر به سرعت در حال تبدیل شدن به یک کالا است. می‌توان اثری هنری را از طریق اینترنت، و به یاری سرانگشتان خود، در حراجی خرید، فروخت یا حتی به مزایده گذاشت.

حال اگر اجازه دهید می‌خواهم به صحنه بازار هنر در بنگلادش بپردازم. تا این اواخر کسب و کار «نگارخانه‌ها» در بنگلادش هیچ رونقی نداشت. «آرت انسمبل»<sup>۴</sup> نخستین نگارخانه این کشور در سال ۱۹۶۲ تأسیس شد. سهم اول را در این کار صادق خان، یکی از روزنامه‌نگاران بنگلادش، و خانم فریدا حسن داشتند. این نگارخانه به چیزی در حد یک انجمن هنرمندان و دوستان هنر تبدیل شد که با برپایی نمایشگاه، حراجی، و به عنوان محل فروش آثار نقاشی،

کمپیل مشهور شد. در کشور ما نام کوایوم چوهوری<sup>۳</sup> همواره مترادف با طراحی جلد کتاب خواهد بود. فهرست درازی می‌توان ارائه داد. نمی‌توانیم انکار کنیم که هنر، تبلیغ، فروش و بازار فروش با هم تلفیق شده‌اند و هنرمندان در تبلیغ و فروش اکثر کالاها در بازار نقش مهمی داشته‌اند. بنابراین چه جای تعجب است اگر «هنر» یا خلاقیت فرد نیز مثل هر کالایی در بازار مصرف مکانی را به خود اختصاص دهد. آنچه به عرضه بسیاری از کالاها در بازار کمک می‌کند و از آنها کالاهای مصرفی موفقی می‌سازد یاری هنرمندان بسیار است.

نمی‌توان از تله بازار گریخت. آن هم در این عصر «یکپارچه شدن» جهان، و با وجود تکنولوژی اطلاعات، جهان حتی به مراتب سریع‌تر از یک چشم بر هم زدن شما در حال کوچک شدن است. اینترنت با فراهم آوردن امکان دسترسی آسان به اندیشه‌ها برای

مبلغ هنرمندان برجسته و نقاشان جوان گشت. بالاخره انجمن در سال ۱۹۷۵ منحل شد. تا سه دهه نگارخانه‌های غیرتجاری وابسته به نهادهای مختلف مانند مؤسسه هنرهای زیبا<sup>۵</sup>، آکادمی شیلپوکالا<sup>۶</sup>، آلیانس فرانسه<sup>۷</sup>، مؤسسه گوته<sup>۸</sup>، به طور منظم سازماندهی و برپایی نمایشگاه‌ها را به عهده داشتند. سپس سایر نگارخانه‌ها مانند جیراس، ساچو، سزان، هُکو، تیولی<sup>۹</sup> و غیره تأسیس شدند.

در سال ۱۹۸۸ «لاگالری»<sup>۱۰</sup> پا به عرصه گذاشت و پیشگام جریانی نو در میان نگارخانه‌ها و خرید و فروش آثار هنری گشت. این نگارخانه، که در نوع خود اولین بود، در ژوئن ۱۹۹۸ و در تلاش برای بیشتر در دسترس عموم گذاشتن آثار هنری و افزایش آگاهی علاقه‌مندان از تفسیر هنرمندان از جهان افتتاح شد. در سال ۱۹۹۱، «لاگالری» از طریق «بازار حراج هنر» پیشگام حرکت دیگری در تجارت هنری گشت. از آن هنگام تا به حال ۳ برنامه از این نوع به اجرا درآمده است، و موجی را در علاقه مردم به هنر برانگیخته است. تا سال ۱۹۹۶ «لاگالری» بیش از ۱۵۰ نمایشگاه برگزار کرده، که مشتمل بر انواع شیوه‌های نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی می‌شوند. این نگارخانه در ضمن نمایشگاه‌های تخصصی اثاثیه منزل، لباس و صنایع دستی نیز در کنار تئاترها و گردهمایی‌ها بر پا داشته است. «لاگالری» در تشخیص رواج این نگرش که هنر و هنرمند را نباید صرفاً به خاطر هنر مورد حمایت قرار داد بلکه می‌توانند ارزش اقتصادی و زیباشناختی هم داشته باشند تأثیر داشت.

از سال ۱۹۹۲ نگارخانه‌های بیشتری هم در داکا تأسیس شده و بیشتر آنها از لحاظ تجاری خودکفا شده‌اند زیرا بالاخره یک «بازار هنر» به وجود آمده است. آگاهی درباره ارزش زیباشناختی و اقتصادی هنر

که به واسطه آن خریداران آثار هنری افزایش یافته‌اند حال دیگر حاصل شده است. بسیاری از خانه‌ها و دفاتر کار جدید برای مزین ساختن دیوارهای خود به آثار هنری علاقه بیشتری نشان می‌دهند. این گرایش برای هنرمند و نگارخانه‌ها عالی بوده است. گردآوری آثار هنری هم رواج یافته است و کاملاً یک تعداد اشخاص و شرکت‌های بزرگ هستند که به قصد اضافه کردن چیزی به مجموعه رو به افزایش شان از این نمایشگاه به آن نمایشگاه می‌روند. این گرایش مثبت مسلماً به رشد بازار هنر کمک خواهد کرد و انگیزه لازم را برای هنرمندان ما در کار خلاق‌شان فراهم خواهد آورد.

باید بگویم که هرچند این بازار کوچک است اما سه فراگرد نظام بازار آزاد یعنی تولید، تبلیغ و فروش، همان‌طور که پروفیسور منصور اظهار داشتند، کاملاً در اینجا فعال است. تبلیغ هرچه وسیع‌تر باشد، و استعداد و شم فروشندگی صاحب نگارخانه هرچه بیشتر، فروش بهتر خواهد بود. خواهی نخواهی هنر به بازار و مصرف‌گرایی رسیده است.

پی نوشت‌ها:

- 1- *Art and the Marketplace*, by Akku Chowdhury.
- 2- Andy Warhol
- 3- Quayum Chowhury
- 4- Art Ensemble
- 5- Institute of Fine Arts
- 6- Shilpokala Academy
- 7- Alliance Francaise
- 8- Goethe Institute
- 9- Jiras, Sajo, Cezzane, Hoque, Tivolli
- 10- La Galerie



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی